

نقش شورایاری‌ها در مشارکت مردمی و توسعه محله‌ای شهر تهران مطالعه موردی: محله داودیه

علی موحد^۱ - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
مریم عبادی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۴

چکیده

محله‌های شهری به‌عنوان کوچک‌ترین سطح ساختار شهر نزدیک‌ترین سطح به تعاملات اجتماعی است و نقش مؤثری در شکل‌گیری جامعه پایدار شهری دارند. بدون شک مشارکت اجتماعی روزبه‌روز گسترش یافته و جوامع انسانی را با فرصت جدیدی روبرو می‌سازد که بررسی آن در بهبود اوضاع انسانی مؤثر خواهد بود. پیشبرد توسعه محلی و پاسخگویی به مسائل متنوع اقتصادی، اجتماعی، مالی، ارضی، آموزشی و... شهروندان در محله‌های شهری، نیازمند «مشارکت اجتماعی شهروندان» و «بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد» است. شورایاری‌های محلی در شهر تهران از جمله نهادهایی هستند که به‌منظور افزایش مشارکت مردم در مدیریت شهری به وجود آمده‌اند. هدف از پژوهش بررسی نقش شورایاری‌های محله‌های شهر تهران در مشارکت و توسعه محله‌ای است. روش تحقیق تحلیلی-اکتشافی باهدف کاربردی است. روش جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه‌ای) و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی و استنباطی (مدل پیرسون) در نرم‌افزار spss استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با تقویت مشارکت محله‌ای می‌توان به توسعه محله‌ای دست‌یافت. اما نقش شورایاری‌ها در افزایش مشارکت عملیاتی شهروندان در مدیریت شهری نقش کم‌رنگی است. همچنین سازوکارهای شورایاری برای افزایش مشارکت مردم محله و نقش شهرداری در افزایش مشارکت مردم ضعیف و ناکافی است. همچنین شورایاری‌ها در سطوح برنامه‌ریزی و مدیریت شهری از جایگاه لازم برخوردار نیست.

واژگان کلیدی: مشارکت، مدیریت محله، توسعه محله، محله داودیه، شهر تهران.

مقدمه

محلله‌های شهری به‌عنوان کوچک‌ترین پاره شهری نزدیک‌ترین سطح به تعاملات اجتماعی است و نقش مؤثری در شکل‌گیری جامعه پایدار شهری دارند. (موحد و کرده، ۱۳۹۶: ۲) مشارکت یکی از شاخص‌های رهبری و بلوغ سازمانی جامعه محسوب می‌شود. (قدرجانی و قیطرانی، ۱۳۹۱؛ زیاری و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۰) مفهوم مشارکت ارتباط تنگاتنگ و مرتبط با مفهوم شهروندی دارد که در آن حقوق، وظیفه، نقش و مسئولیت شهروندان مشخص و نهادینه شده است. از این رو مشارکت مبنا و معرف اصلی و جزئی از حقوق و وظایف شهروندی است که می‌تواند به گونه‌های مختلف تحقق یابد. مهم‌ترین الزامات توسعه پایدار، مشارکت شهروندی و مدنی است. تئوری‌ها و الگوهای موجود مرتبط به مشارکت، مربوط به شرایط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی دنیای غرب است که کاربرد مستقیم آن‌ها در طراحی و کاربست مشارکت در کشورهای جهان سوم و از جمله ایران، کارایی لازم را ندارند. بنابراین باید از استفاده مستقیم این ادبیات برای طراحی الگوهای متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه خود پرهیز نماییم. یعنی طراحی و استفاده از الگوهایی که حالت تعادل متناسب با شرایط زمان و مکان را خواهند داشت و در عین حال روند تکاملی دارند. آنچه در این خصوص حائز اهمیت است این است که ماهیت واقعی مشارکت اقتضا می‌کند که ساختارهای منقبض و عمودی اجتماعی و سیاسی به سمت ساختارهای بسیط و گسترده میل نمایند. مشارکت به مفهوم واقعی آن نظام اجتماعی را می‌طلبد که در آن حدود اختیارات و نقش تمامی بازیگران حوزه عمومی که دولت نیز یکی از آن‌ها است به‌خوبی مشخص و ضابطه‌مند شده باشد. این بازی دارای قاعده و سازوکار تعریف‌شده‌ای است. هیچ‌کس نباید بتواند از قاعده بازی عدول نماید. مشروعیت داشتن و در بازی ماندن هر یک از بازیگران به میزان مشارکت و الزام عملی آنان به‌قاعده این بازی است. این نوع از مشارکت مستلزم نهادهایی از جنس نهادهای غیردولتی و مدنی است. از گذشته محلات شهری، به‌عنوان سلول‌های حیات شهری دارای نقش اساسی در زندگی ساکنان داشته و از آنجاکه در تقسیمات نظام فضایی شهر، محلات شهری کوچک‌ترین واحد سازمان فضایی محسوب می‌شوند، اجتماعات محلی در شهرها، بهترین کانون و کارگاه مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکتی هستند و در بین سایر رده‌های سازمان فضایی شهر، بیشترین انسجام اجتماعی و مکانی را دارند. لذا محلات می‌تواند زمینه مناسبی برای تمرین مشارکت باشند و آمادگی برای مشارکت در سطوح بالاتر برنامه‌ریزی را فراهم کنند. یکی از مسائل مهم در برنامه‌ریزی شهری کشور، بحث مشارکت پایدار مردم است. اصولاً اگر قرار باشد مشارکت را در یک رویکرد عمل‌گرایانه به عرصه برنامه‌ریزی شهری وارد کنیم، باید این مشارکت در محیط اجتماعی و اقتصادی و در همه رفتارها و فعالیت‌های روزانه افراد و ساکنان شهری تعیین و تبیین شود. هر نوع تغییر در این ساختار برنامه‌ریزی به‌طور قطع و یقین، اثرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود را بر کل جامعه خواهد گذاشت. لذا باید پذیرفت که مشارکت مردم در برنامه‌ریزی شهری نقشی مبهم و ناکارآمد دارد که البته این محصول سالیان متمادی برنامه‌ریزی متمرکز و دولتی است. راهکارها و ابزارهای مؤثر برای رسیدن به مشارکت هنوز در نظام تصمیم‌گیری و ساختار برنامه‌ریزی به‌طور کامل وارد نشده است. تشکیل شوراهای اسلامی شهر گامی مهم و نقطه شروع تغییر نگرش و ورود به مدیریت شهری بود. با تشکیل شورای شهر گرایش به مشارکت بیشتر مردم در نظام تصمیم‌گیری شهری افزایش یافت و سبب شد شورای محله‌ای به وجود آیند. این موضوع می‌توانست گام مهمی در افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت محله‌ای و شهر تهران باشد. اما دیدگاه‌های مختلف درباره کارکرد این شوراهای و بعضاً بحث‌هایی در مدیریت شهری تهران مبنی بر حذف آن چالش فکری و اجرایی به وجود آورد. طرح موضوعاتی چون چگونگی نقش عامه مردم در گسترش ارتباط و سطوح مشارکت در مدیریت شهری از جمله آن‌ها بود. لذا این پژوهش سعی کرد نقش مشارکت در توسعه محله را مورد واکاوی قرار دهد. یکی از روش‌های پذیرفته‌شده در مدیریت محلی و منطقه‌ای جهت تحقق هدف‌ها، ایجاد، توسعه و تقویت سازمان‌های محلی و مردم‌نهاد است که به‌عنوان یک نظریه در مبحث برنامه‌ریزی شهری

مورد مطالعه قرار می‌گیرد و البته تجربه موفق هم در کشورهای پیشرفته از آن منتج شده است. (زلفی، ۱۳۸۲: ۱). که سعی می‌شود در این پژوهش از آن‌ها استفاده شود.

با توجه به گستردگی نیازهای جامعه شهری و تعدد و حجم بالای وظایف مدیریت شهری در رابطه با کمبود منابع، نظارت و کارایی ضعف زیادی مشاهده می‌شود. ناتوانی سازمان‌های مربوطه در بهره‌گیری مطلوب و بهینه از سرمایه اجتماعی به‌ویژه جامعه مدنی در برنامه‌های شهری، کاهش همکاری و تعاون، ناتوانی عناصر سرمایه اجتماعی و اشتراکات شهروندی جدید، سلطه برنامه‌ریزی مرکز-محور کنونی، فقدان برنامه‌های شهری منسجم برای مشارکت شهروند که موجب اعتلای محیط زندگی محله‌ای است. محله‌های شهری در شهرهای بزرگ از جمله کلان‌شهر تهران با افزایش جمعیت با مشکلات کالبدی، اقتصادی و اجتماعی روبرو است و می‌توان شکلی از آن‌ها را در محله داوودیه مشاهده کرد. پژوهش حاضر علاوه بر بیان ویژگی‌های محله‌های پیشین و خصلت‌های مناطق مسکونی جدید، امکان مطالعه جهت برقراری مدیریت شهری اجتماع محلی که گام مهمی را در هموار کردن مسیر به‌منظور رسیدن به حکمروایی خوب را در داوودیه دنبال می‌کند تا به این ترتیب امکان نظری مشارکت بیش‌تر شهروندان، نهادها و اجتماعات محلی در اداره محله به‌منظور تحقق پایداری شهری در جنبه‌های نظارت و کارایی با تأکید بر شاخص پایداری و بهره‌گیری از نقش و حضور مردم در سطح محله و بها دادن به عنصر مشارکت به‌عنوان یکی از ارکان اصلی برای ارتقاء آسایش و راحتی شهروندان فراهم گردد. این پژوهش سعی دارد نقش شورایی‌ها در مشارکت اجتماعی را در توسعه محله‌ای و رابطه بین رضایتمندی از اقدامات شهرداری با مشارکت مردمی در محله داوودیه در منطقه ۳ شهر تهران مورد بررسی قرار دهد. با توجه به نقش مشارکت شهروندان در توسعه محله مورد توجه می‌باشد، در زیر مطالعه‌های انجام شده در سال‌های اخیر در این رابطه به‌طور خلاصه آورده شده است:

نجاتی حسینی در مقاله‌ای به مطالعه الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر پرداخته است. نتایج پژوهش وی عبارت از: ۱: با افزایش سن و سطح تحصیلات احساس قدرتمندی فزونی می‌گیرد. ۲: تعلق به فرهنگ اکثریت جامعه موجب افزایش قدرتمندی می‌گردد. ۳: ادغام در فرهنگ اکثریت به کاهش احساس بی‌قدرتی می‌انجامد. ۴: مزدبگیران بخش عمومی معمولاً بیش از دیگران انواع مشارکت را دارای منفعت ارزیابی کرده‌اند. ۵: با بزرگ‌تر شدن شهر، از گرایش به مشارکت کم می‌شود. ۶: افزایش روابط اخلاقی و سنتی میان همسایگان به افزایش گرایش به مشارکت می‌انجامد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

حکمت نیا و موسوی در مقاله خود به تحلیل تاریخی از مشارکت در اداره امور شهرهای ایران پرداخته‌اند و نتایج پژوهش تاریخی صورت گرفته نشان می‌دهد که سابقه مشارکت شهروندی در اداره امور به یونان باستان برمی‌گردد که از آن تاریخ به بعد این پدیده متأثر از حکومت‌ها و ایدئولوژی‌های حاکم بر جامعه دچار تحولی شدید شده است. به‌طوری‌که امروزه با ظهور پدیده جهانی شدن، مشارکت مردمی به‌عنوان واکنشی در برابر سیستم‌های حکومتی نقش مهمی را در شهرها ایفا می‌کند. امروزه مشارکت شهروندی جهت نیل به توسعه پایدار اجتماعی و برآورده نمودن اهداف مهم ملی دولت‌ها نقش سازنده‌ای را ایفا می‌کند (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۵).

رضایی و صلاح اصفهانی در مقاله‌ای نگرش مشارکتی شهروندان محلات ۱ و ۱۲ شهرداری تهران نسبت به مدیریت محله را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش آنان نشان می‌دهد که مشارکت شهروندان در مدیریت محله می‌تواند تحقق پایداری محله و شهر پایدار را به دنبال داشته باشد. در این راستا، شکل نهادی اجتماعی و توجه به نیروهای متخصص محله می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها گامی به‌سوی پایداری محله باشد (رضایی و صلاح اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۱۹-۲۱۸).

تقوایی و همکاران در مقاله‌شان عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در منطقه ۴ شهر تبریز را مورد

تحلیل قرا داده‌اند و نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد: ۱- ارزیابی شهروندان از پیامدهای مشارکت مثبت بوده، بیشتر شهروندان معتقد بودند که می‌توانند با مشارکت در مدیریت شهری تأثیرگذار باشند. ۲- هر چه میزان رضایتمندی افراد از خدمات‌رسانی مدیران شهری بیشتر باشد، به همان میزان تمایل به مشارکت در مدیریت شهری افزایش می‌یابد. ۳- هر چه احساس مالکیت؛ یعنی مدت‌زمان سکونت و نوع مالکیت (ملکی) بیشتر باشد، به همان اندازه مشارکت افزایش پیدا می‌کند. ۴- وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهروندان بر مشارکت تعیین‌کننده است یعنی با بهتر شدن وضعیت اقتصادی و اجتماعی میزان مشارکت هم بالا می‌رود (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹).

برک پور و همکاران در مقاله‌ای مشارکت مردمی در تهیه طرح‌های ساماندهی و توسعه محله‌ای در محله امیرآباد را مورد مطالعه قرار داده‌اند و بیان می‌دارند که تحقق مشارکت در طرح‌های شهری در شرایط گوناگون محیطی، اجتماعی و اقتصادی نیازمند به‌کارگیری سطوح و تکنیک‌های گوناگونی است. آن‌ها تأکید می‌کنند مهم‌ترین وظیفه یک برنامه‌ریز در هدایت مشارکت عمومی در یک طرح شهری، انتخاب شیوه‌های مناسب و اجرای آن با توجه به شرایط فرهنگی و بسترهای ایجادشده است. در طرح معرفی شده، با بررسی شرایط محدوده این نتیجه حاصل گردید که زمینه مناسب برای اجرای برخی از تکنیک‌ها، در محدوده مورد مطالعه امکان‌پذیر نیست. یکی از مشکلات در مقطع کنونی، قابل‌فهم نبودن بسیاری از تصمیمات برنامه‌ریزان است. به‌کارگیری تکنیک‌های مشارکتی می‌تواند شیوه مناسبی برای سنجش و اولویت‌بندی معیار و خواست‌های مردم و تبدیل آن‌ها به طرح باشد. برنامه‌ریز بهتر است از بررسی و کنکاش درخواست‌های مردم شروع کند تا از ارزیابی خود از ارزش‌هایی که تلاش می‌کند آن‌ها را بزرگ جلوه دهد (برک پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۱).

زیاری و همکاران مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک را در مقاله‌شان مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که در بعد عینی مشارکت مردم در سطح ضعیفی قرار دارد ولی در بعد ذهنی مشارکت مردم در سطح بالایی قرار دارد و بستر مشارکت در شهرهای مورد مطالعه برای مشارکت در مدیریت شهری بسیار بالاست (زیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱۱).

کاظمیان و همکاران تأثیر الگوی شورایی محلات در مشارکت شهروندان با مدیریت شهری را در مقاله خود مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش بعد از مطالعه و بررسی مفهوم مشارکت شهروندان با مدیریت شهری با استفاده از نظریه آیزن و فیش باین به‌عنوان پایگاه داده نظری؛ عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان شامل عوامل عینی و ذهنی، شناسایی و در یک مدل تحلیلی رسم شدند. این پژوهش به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه به انجام رسیده که پس از تجزیه و تحلیل داده به این نتیجه رسیده است که تأثیر الگوی مشارکتی شورایی بر جامعه شوراییاران بسیار بیشتر از جامعه شهروندان بوده است؛ الگوی مشارکتی شورایی در عامل قصد و نیت به مشارکت نسبت به فراهم شدن امکان مشارکت موفق‌تر عمل کرده است و همچنین می‌توان گفت که شوراییاری در تحریک عوامل درونی کنش مشارکت بهتر از عوامل بیرونی مؤثر بوده است (کاظمیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳).

مبانی نظری

محله بخشی مشخص از یک ناحیه یا حوزه شهری است با ویژگی اجتماعی و اقتصادی معین و از نظر کالبدی، محله پایین‌ترین رده تقسیمات شهری می‌باشد، که محل سکونت و اشتغال ۷۰۰ الی ۱۲۵۰ خانوار با دامنه نوسان شعاع دسترسی ۳۰۰ الی ۳۷۵ متر (۴ تا ۵ دقیقه) است و با عنصر شاخص فرهنگی مسجد، آموزشی دبستان تعریف می‌شود. هر محله با شبکه سواره رو دور محله‌ای از سایر محلات جدا می‌شود (زیاری، ۱۳۸۱: ۵۰). محله از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی تشکیل می‌شود و از تجمع، پیوستگی کم‌وزیاد، معاشرت نزدیک، روابط همسایگی محکم و اتخاذ میان گروهی از مردم به وجود می‌آید که برای تشکیل آن وجود شرایط چندی لازم می‌باشد:

❖ دار بودن یک حوزه جغرافیایی مشخص؛

❖ پیدایش و تکوین یک اجتماع کوچک گروهی از مردم شهر؛

❖ وابستگی اجتماعی میان گروهی از مردم.

معمولاً امکانات رفاهی موجود در آن فقط برای ساکنین محله می‌باشد و این استفاده مشترک به ساکنان آن امکان می‌دهد که خود در یک محدوده کاملاً مقید احساس کنند و تعلق بیشتری نسبت به آن پیدا نمایند (شکوئی، ۱۳۷۲: ۴۹). توسعه پایدار در مقیاس محله‌ای به معنای کیفیت زندگی اجتماعی و شامل همه ویژگی‌ها و اجزای زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که هدف نهایی توسعه پایدار محله‌ای ارتباط بین سرمایه اجتماعی و کالبدی است. (موحد و کرده، ۱۳۹۶: ۸). واژه مشارکت از حیث لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظور خاص می‌باشد. در مورد معنای اصطلاحی آن بحث‌های فراوانی شده است. برخی از صاحب‌نظران مدیریت تعریف زیر را برای مشارکت ارائه نموده‌اند. مشارکت درگیری ذهنی، عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (علوی‌تبار، ۱۳۷۹: ۱۵). در دایره‌المعارف برنامه‌ریزی شهری مشارکت عمومی این‌گونه تعریف شده است: «مشارکت عمومی در شهرسازی ابزاری است که به وسیله آن اعضای جامعه قادر می‌شوند تا در تدوین سیاست‌ها و طرح‌های شرکت که بر روی محیط زندگی آن‌ها مؤثر هستند» (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۵). به‌طور خلاصه مشارکت مردم عبارت است از: فرایند و حق اساسی که در طی آن مردم عاقلانه و با آگاهی، اراده و رغبت در زمینه امری خاص با قبول گوشه‌ای از مسئولیت آن به‌طور گروهی سعی در ارضای نیازهای روحی و روانی فردی و گروهی خود در همیاری جهت رسیدن به اهداف پیش تعیین‌شده بر اساس نیازهای واقعی اولویت‌بندی شده با در نظر گرفتن امکانات و محدودیت‌ها جهت یافتن هویت فردی و جمعی در جامعه می‌باشد. حال اگر محدوده مشارکت را شهر در نظر گرفته و نوعی از برنامه‌ریزی فرایند نگر با چارچوبی مشارکتی را مدنظر قرار دهیم و عواملی چون عدالت اجتماعی قانون، توسعه پایدار،... را در آن دخیل کنیم، برنامه‌ریزی شهری (مشارکتی) مشارکتی را خواهیم داشت. گاهی فرآیندهای مشارکتی منجر به توسعه اجتماعات محلی شده و منجر به توسعه از پایین به بالا می‌شود که زیربنای آن سازمان‌دهی اجتماعات محلی و بسیج قابلیت‌های درون‌زای اجتماعی بوده که خود عامل بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی می‌شود (فنی و صادقی، ۱۳۸۸: ۶۱). مشارکت شهروندان متأثر از عوامل گوناگون است که باید در اتخاذ رویکرد مشارکت شهری و برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار گیرد. از جمله این عوامل نیت و قصد مشارکت‌کنندگان، انگیزه و انتظارات و پاداش از مشارکت و سرانجام امکانات و شرایط مشارکت می‌توان اشاره کرد. (زیاری و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۰). به عقیده دنیل. اچ. استروب در کتاب "توسعه در سازمان‌دهی شهرداری" دیدگاه‌های فلسفی در زمینه مشارکت مردمی را به چهار نظریه تقسیم کرده است که عبارت‌اند از:

۱- نظریه همراه ساختن، در این دیدگاه به این دلیل که اصولاً ساکنین محلی و مردم قادر نیستند نقش سازنده‌ای در جهت انجام پروژه‌ها ایفا نمایند. لذا مشارکت آنان تنها در جهت کاهش ضدیت آنان با انجام پروژه‌ها از طریق دخالت صوری آن‌ها می‌تواند باشد. به عبارت دیگر همراه ساختن ظاهری (و نه واقعی) مردم در امر مشارکت جهت جلوگیری از ایجاد موانع توسط آن‌ها در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های شهری در آینده (حناچی و مرادی مسیحی، ۱۳۸۰: ۲۲۰).

۲- نظریه مشورتی، بر اساس این دیدگاه برخلاف نظریه همراه ساختن بر این عقیده است که ارزش‌هایی که از سوی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در زمینه منافع عموم مطرح می‌گردد، اصولاً ارزش‌هایی که به طبقه متوسط تعلق داشته (دیدگاه غرب) و نمی‌تواند جوابگوی نیازهای اقتصاد پایین جامعه باشد. لذا ارتباط با مردم و شهروندان جهت آشنایی با افکار و ارزش‌های آن‌ها یکی از مقتضیات برنامه‌ریزی می‌باشد. نظریه مشورتی بر سه روند تأکید دارد که عبارت‌اند از:

الف: اطلاع‌رسانی به ساکنین در مورد گزینه‌های موجود؛

ب: اخذ نظرات شهروندان؛

ج: لحاظ نمودن افکار جامعه در طرح و یا برنامه‌های نهایی.

۳- نظریه درمان آموزشی - اجتماعی یا مدل یادگیری اجتماعی؛ ارتقاء وضعیت شهروندان از طریق آموزش که از طریق مشارکت به آن‌ها داده می‌شود و تربیت شهروندان مسئول که بتوانند با آزادی و دموکراسی که در اختیارشان قرار می‌گیرد سرنوشت خودشان را به سمت بهینه‌ای رهنمون کنند. اساس این نظریه در واقع دموکراسی می‌باشد. افراد معتقد به این نظریه بر این باورند که مشارکت مردمی زمینه آموزش مناسبی جهت تربیت شهروندان در محله یا محدوده‌ای که مشارکت در آن صورت می‌پذیرد مهیا می‌سازد و بر این اصل استوار است که تنها با مشارکت دادن و دخیل نمودن ساکنین محلی در برنامه‌ها می‌توان بر آن‌ها تأثیرگذار بود و شهروندان می‌توانند با آموزش قدرت بهبود بخشیدن به وضعیت خود را به دست بیاورند. به عبارت دیگر دخالت مردم در سرنوشت خودشان (در محله) باعث بهبود وضع آن‌ها خواهد بود. این مدل را به "مدل یادگیری اجتماعی" نیز می‌نامند. از مبتکران این نظریه می‌توان جان فریدمن را نام برد که معتقد است باید بین برنامه‌ریزان به‌عنوان وکلای مردم و مردم به‌عنوان موکلین فاصله‌ها حذف شوند و زبان علمی برنامه‌ریزان به مردم و زبان واقعیت‌های علمی مردم به برنامه‌ریزان آموزش داده شود و این کار از طریق ارتباط رودررو و شفاهی بین برنامه‌ریز و مردم فاصله این دو قشر را از بین می‌برد (Andrews & Herschel, 1997).

۴- نظریه قدرت جامعه، بر اساس این نظریه افراد و جوامعی که به دلایل مختلف از کانون قدرت اجتماعی (و همچنین مزایایی که حاصل از قدرت اجتماعی می‌باشد) به دور افتاده‌اند، بایستی بتوانند در سیاست‌گذاری ما دخالت داشته و دخیل باشند. این نظریه به‌طور کلی به‌صورت رادیکال مطرح شده و با نظریه‌های دیگر متفاوت است. بر اساس این نظریه به‌طور عمده دو رویکرد در عملکرد و نقش حکومت‌های محلی وجود دارد که به محلی کوشا باشد - رویکرد دوم: باهدف افزایش کنترل شهروندان سعی در ایجاد پایگاه قدرت سیاسی به شرح زیر می‌باشد. رویکرد اول: می‌باید در مردمی‌تر نمودن هر چه بیشتر حکومت‌های محلی از طریق جای دادن افراد محلی در هیئت‌های سیاست‌گذاری مستقل در مناطق کم‌درآمد از طریق ایجاد سازمان‌های همسایگی دارد (مرادی، ۱۳۷۹: ۸۵-۸۴).

توسعه محله‌ای

توسعه محله‌ای بیانگر فرایندی است که بر اساس آن سرمایه‌ای که اجتماع به‌صورت بالقوه قادر به جمع‌آوری و استفاده از آن‌هاست، افزایش می‌یابد تا با کمک آن‌ها کیفیت زندگی مردم محله را بهبود بخشد. در جریان این فرایند، اشکال جدیدی از سازمان اجتماعی و کشش جمعی پدیدار می‌شود تا به ترمیم و اصلاح نابرابری‌های موجود در زمینه توزیع قدرت و منابع بپردازد. لذا می‌توان گفت توسعه محله‌ای شامل کلیه مسائل مرتبط با مسکن، توسعه اقتصادی، مشارکت شهروندان، رفاه اجتماعی، احساس امنیت، ارتقاء آموزش و مسائل زیست‌محیطی است که میان تمامی این عناصر نیز ارتباط متقابلی وجود دارد (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۰). در این راستا توسعه محله‌ای بر پایه توسعه اجتماعات محله‌ای است که توان حل مشکلات را با اتکاء به هم‌افزایی مجموعه سرمایه‌های طبیعی، کالبدی و انسانی و اجتماعی به دست می‌آورد. یعنی توسعه محله‌ای بر پایه توسعه اجتماعات محلی به بار می‌نشیند و پایداری شهر را شالوده‌ریزی می‌کند، به عبارت ساده‌تر موضوع اصلی در توسعه محله‌ای، اجتماعات محله‌ای هستند. پیتروال در تعریف توسعه محله‌ای چنین می‌گوید: «توسعه محله‌ای در واقع برنامه‌ریزی برای توسعه شهر آن‌هم در سطحی محدودتر و کوچک‌تر از قبل است» (موحد، ۱۳۷۹: ۴۳). بنا بر پژوهش‌های گوناگون چهار بعد اصلی توسعه محله‌ای، عبارت است از: اقدام شهروندان، مشارکت داوطلبانه، همکاری و حل مشکلات به‌صورت همکاری توانمندسازی، توجه به نتایج جامع‌نگر و فراگیر. در جریان گذر از مفهوم سنتی برنامه‌ریزی شهری مفاهیم جدیدی شکل گرفته که ماهیتاً از تبار علمی چون جامعه‌شناسی و

حتی روانشناسی هستند و بدین‌سان زایش معنی میان‌رشته‌ای برنامه‌ریزی شهری را سبب گردیدند. فصل مشترک آن‌ها ویژگی‌های اجتماعی جامعه شهری است. اکنون دیگر وظیفه برنامه‌ریزان شهری تلاش برای پاسخ‌گویی به نیازها و خواسته‌های کالبدی - کارکردی شهروندان خلاصه نمی‌شود، بلکه با طرح مفاهیم کیفیت زندگی، رفاه اجتماعی، عدالت اجتماعی، برنامه‌ریز شهر مسئول پاسخ‌گویی به نیازهای روانی - محیطی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان از قبیل رضایت شادمانی، مسکن و کیفیت نیز می‌شود. (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۴). توجه به این نیازها در سطح کلان و شهر مقیاس کاری بس دشوار و هزینه‌بر و حتی تا حدودی غیرممکن و شعاری است. لذا باید در مقیاس کوچک‌تر و محسوس‌تر به این نیازها پرداخت. این رویکرد نوین محلات شهری را بهترین مقیاس برای اعمال مفاهیم جدید برنامه‌ریزی شهری می‌داند (موسوی، ۱۳۸۵: ۸۸). بدین ترتیب به کارگیری محله در نظام طراحی و برنامه‌ریزی شهری برای تبدیل‌شدن آن‌ها به عنصری جدایی‌ناپذیر در ساختار شهری الزامی است (موسوی، ۱۳۸۵: ۸۹). به این شکل پس از مدت‌ها بار دیگر توجه به محله‌ها که در ساختار شهرهای ایرانی - اسلامی دیرینه و نقش اساسی داشته در دستور کار برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته است. علل این تمایل ریشه در آن دارد که محله را وسیله‌ای برای مدیریت شهری، توسعه پایدار، کارکرد بازار، ایجاد تمایز، فرار از ناشناخته‌ها و تشویق انسجام اجتماعی قلمداد می‌کنند (مدنی پور، ۱۳۸۳: ۲). عسگری با تلفیق این مفاهیم یک ماتریسی ارائه کرده است که هر یک از گروه‌ها و دست‌اندرکاران بنا به تخصص خود یکی از روش‌های شانزده‌گانه را می‌توانند به کار ببرند.

جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری با توجه به ماهیت مکان‌گرایی خویش می‌تواند بر برداشت مکانی از اجتماع محله‌ای تأکید نموده و در توسعه اجتماع محله‌ای به‌عنوان محله به روش ترکیبی از این مفاهیم تکیه کند.

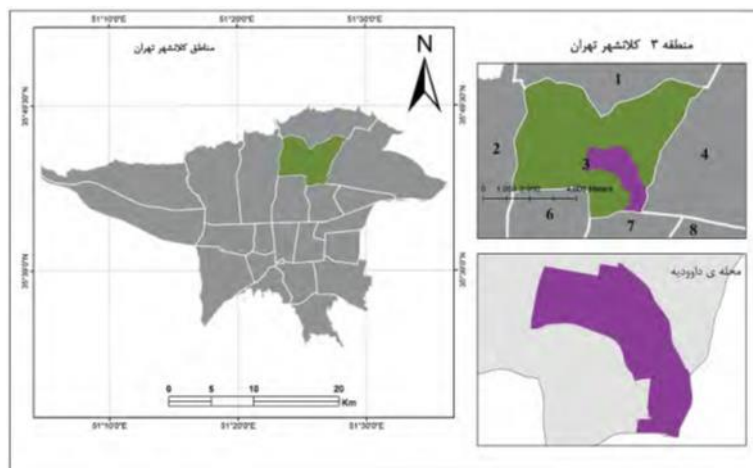
جدول شماره ۱. ترکیب شانزده‌گانه رویکردهای توسعه محله‌ای و مفاهیم اجتماع محله‌ای و نمونه‌ای از کاربردها

مفهوم اکولوژیکی	مفهوم مکانی	مفهوم اقتصادی	مفهوم اجتماعی
مفهوم ایدئولوژیک توسعه	مفهوم اکولوژیکی	مفهوم مکانی	مفهوم اجتماعی
گروه‌های طرفدار محیط‌زیست	حزب سیاسی	انجمن‌های صنفی	سازمان‌های غیردولتی و مذهبی
مفهوم علمی	مکتب اکولوژی اجتماعی	برنامه‌ریزی شهری و علوم مکان‌گرا	مکتب جامعه‌شناسی شهری
مفهوم سیاست‌گذاری توسعه	دولت‌های محلی	دولت‌های محلی	دولت‌های ملی
مفهوم پروژه‌های توسعه	بخش بهداشت	بخش مسکن و خدمات عمومی	بخش فرهنگی و هنری
بخش بهداشت	بخش مسکن و خدمات عمومی	بخش تجاری و مالی	بخش فرهنگی و هنری

(منبع: خاکپور، ۱۳۸۸: ۶۵)

محدوده مورد مطالعه

محله داودیه یکی از ۱۲ محله منطقه ۳ شهرداری تهران است. این محله دارای ۲۴۵۱۱ نفر جمعیت بر اساس آمار ۱۳۹۵ است (شهرداری تهران، ۱۳۹۷) که از شمال به خیابان شهید دستجردی (ظفر)، از جنوب به خیابان میرداماد، از شرق به خیابان دکتر شریعتی و از غرب به بزرگراه مدرس منتهی می‌شود (سند راهبردی توسعه محله داودیه، ۵۹-۱۳۹۱: ۱).



شکل شماره ۱. محدوده جغرافیایی محله داودیه در منطقه ۳ کلان شهر تهران

روش پژوهش

روش تحقیق تحلیلی- اکتشافی باهدف کاربردی است. روش جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه‌ای) و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی و استنباطی (مدل پیرسون) در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. با توجه به جمعیت محله داودیه (۲۶۴۴۳)، با استفاده از روش کوکران (حافظ نیا، ۱۳۸۰: ۱۱۷) حدود ۳۷۹ پرسشنامه برآورد گردید. روایی پرسشنامه نیز از طریق روایی صوری (جامعه خبرگان) و پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۲۴ حاصل شد که حاکی از پایایی بالای پرسشنامه است. با توجه به مطالعات صورت گرفته جهت بررسی نقش مشارکت مردمی در توسعه محله، متغیرها به صورت زیر خلاصه می‌شود تا روابط بین آن‌ها به صورت تجربی آزمون گردند. متغیرهای مستقل شامل: اقدامات شورایی، رضایت مردم از اقدامات شهرداری و متغیر وابسته مشارکت مردمی است.

بحث و یافته‌ها

یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که ترکیب جنسی پاسخگویان با ۶۳/۳ درصد پاسخ‌دهندگان مرد و ۳۶/۷ درصد زن و سهم مردان بیشتر بوده است. همچنین از کل پاسخ‌دهندگان، ۲۱/۴ درصد کل پاسخ‌دهندگان مجرد و ۷۸/۶ درصد کل پاسخ‌دهندگان متأهل هستند. بیشترین پاسخ‌دهندگان با ۳۳/۸ در گروه سنی بین ۳۰ تا ۴۰ سال قرار می‌گیرند که اگر گروه سنی زیر ۳۰ سال را به آن افزوده شود، بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان در گروه سنی زیر ۴۰ سال قرار می‌گیرند، بعد از این، بیشترین پاسخ‌دهندگان با ۲۰/۳ درصد کل پاسخ‌دهندگان در گروه سنی بین ۴۰ تا ۵۰ سال قرار دارند، کمترین میزان پاسخ‌دهندگان با ۴/۲ درصد در گروه سنی بالای ۷۰ سال قرار می‌گیرند. ۲۹ نفر از کل پاسخ‌دهندگان برابر با ۷/۷ درصد کل پاسخ‌دهندگان زیر دیپلم، ۱۸/۷ درصد دیپلم، ۲۸/۲ درصد فوق دیپلم، ۳۵/۹ درصد لیسانس و ۹/۵ درصد فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند. بررسی شغلی جامعه آماری موردنظر بیانگر آن است که بیشترین پاسخ‌دهندگان با ۲۸/۵ درصد کل پاسخ‌دهندگان شغل خود را آزاد بیان کرده‌اند. گروه دوم از نظر تعداد شامل کارمندان با ۲۶/۴ درصد کل پاسخ‌دهندگان می‌باشند، نزدیک به ۱۶/۶ درصد کل پاسخ‌دهندگان شغل خود را خانه‌دار ذکر کرده که همه آن‌ها از نظر جنس مؤنث محسوب می‌شوند، و دیگر گروه‌ها شامل بازنشستگان، محصلان، کارگران و بیکاران، به ترتیب ۱۲/۷، ۷/۴، ۵/۸ و ۲/۶ درصد کل پاسخ‌دهندگان را به خود اختصاص داده‌اند. ۹۶/۸ درصد از شهروندان محله داودیه از وجود و فعالیت شورایی محله اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند و ۹۷/۶ درصد نیز اعلام کرده‌اند که با شورا ارتباطی برقرار نکرده‌اند. همچنین ۸۰/۵

درصد نیز اعلام کرده‌اند تاکنون تجربه مشارکت محله‌ای نداشته‌اند. به طوری که ۴۰/۶ در از جامعه آماری در هیچ ثمنی حضور نداشته‌اند و فقط ۲۳ درصد در بسیج محله بیشترین و سازمان‌های مردم‌نهاد با ۶/۶ درصد کمترین فعالیت را داشته‌اند. با توجه به جدول شماره ۲ شاخص‌های عملکرد شورایاری با ۹ گویه است. در گویه سوم مردم نسبت به دیدگاه شهرداری نسبت به پیشنهادهای شورایاری نگاه مثبتی با ۳/۱۰ بالاترین میانگین و گویه دوم با ۱/۶۳ پایین‌ترین میانگین است. بر این اساس شورایاری محله به خواست و نظرات شهروندان در تصمیم‌گیری‌های اهمیت می‌دهد و نقش شورایاری محله را در برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر فعالیت‌های شهرداری را ناکافی می‌دانند. با توجه به جدول شماره (۳) مشاهده می‌شود که شاخص مشارکت شهروندان از ۵ گویه تشکیل شده است که در این میان گویه (در صورت واگذاری مسئولیت‌های هر محله به ساکنین آن، همسایگان شما چقدر از این موضوع استقبال می‌کنند؟) با میانگین ۳/۲۸ بالاترین امتیاز و گویه (برای اداره محله چقدر از نظر و مشارکت شما استفاده می‌شود؟) با میانگین ۱/۱۷ دارای کمترین رقم می‌باشد.

جدول شماره ۲. فراوانی دیدگاه مردم نسبت به اقدامات شورایاری محله داودیه

ردیف	گویه	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین
۱	شورایاری محله تا چه اندازه در برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر فعالیت‌های شهرداری نظارت دارد؟	-	۴/۰	۲۸/۸	۴۴/۱	۲۳/۲	۲/۱۳
۲	شورایاری محله چقدر به خواست و نظرات شهروندان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محله اهمیت می‌دهد؟	-	۱/۱	۱۰/۸	۳۸/۳	۴۹/۹	۱/۶۳
۳	به نظر شما شهرداری برای توسعه محله، چقدر به پیشنهادهای شورایاری‌ها، اهمیت می‌دهد؟	۹/۸	۲۴/۸	۳۸/۵	۱۹/۵	۷/۴	۳/۱۰
۴	پیگیری‌های اعضای شورایاری محله به چه میزان موجب افزایش رفاه شما گردیده است؟	۵/۳	۶/۹	۲۳/۷	۳۰/۶	۳۳/۵	۲/۱۹
۵	به نظر شما ساکنین محله‌تان چقدر به اعضای شورایاری اعتماد دارند؟	۲/۱	۶/۱	۳۴/۸	۴۴/۶	۱۲/۴	۲/۴۰
۶	ریش‌سفیدان و اعضا شورایاری محله تا چه اندازه در حل‌وفصل اختلافات و دعاوی شهروندان مؤثر هستند؟	۳/۲	۴/۷	۲۴/۳	۴۸/۰	۱۹/۸	۲/۲۳
۷	شورایاری محله، به چه میزان پاسخگوی نیازهای اجتماعی، فرهنگی، خدماتی، عمرانی و ... شما بوده است؟	-	۳/۴	۳۵/۹	۴۲/۷	۱۷/۹	۲/۲۴
۸	نقش شورایاری را در ارتباط با شهرداری برای حل مسائل شهروندان چگونه ارزیابی می‌کنید؟	۱/۸	۸/۴	۳۲/۷	۳۷/۷	۱۹/۳	۲/۳۵
۹	شورایاری محله به چه میزان در بهبود شرایط زندگی ساکنین محله دخیل است؟	-	۵/۳	۲۲/۷	۳۹/۸	۳۲/۲	۲/۰۱

جدول شماره ۳. وضعیت مشارکت شهروندان در محله

ردیف	گویه	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین
۱	شهروندان چقدر بر فعالیت‌های شهرداری و شورایاری محله خود نظارت دارند؟	-	۶/۶	۱۱/۳	۱۷/۷	۶۴/۴	۲/۸۰
۲	تعاملات و برخوردهای محلی ساکنان محله خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟	۴/۰	۲۰/۱	۴۴/۶	۲۵/۳	۶/۱	۱/۶۰
۳	میزان همبستگی مردم در ارتباط با حل مشکلات مربوط به محله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟	۴/۵	۲۳/۰	۴۳/۸	۲۴/۸	۴/۰	۲/۹۹
۴	برای اداره محله چقدر از نظر و مشارکت شما استفاده می‌شود؟	-	-	۳/۷	۱۰/۰	۸۶/۳	۱/۱۷
۵	در صورت واگذاری مسئولیت‌های هر محله به ساکنین آن، همسایگان شما چقدر از این موضوع استقبال می‌کنند؟	۱۰/۳	۳۴/۰	۳۴/۳	۱۶/۴	۵/۰	۳/۲۸

در سنجش شاخص رضایت ساکنان محله داودیه نسبت به عملکرد شهرداری در محلات با ۱۴ گویه تدوین شده است، نشان می‌دهد بالاترین میانگین از آن گویه پنجم (توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی محله با میانگین ۳/۵۴) و پایین‌ترین میانگین از آن گویه دوم (تأمین امنیت اجتماعی ساکنان محل با میانگین ۲/۰۶) می‌باشد. مردم از عملکرد شهرداری در زمینه‌های معماری، جمع‌آوری زباله و تمیزی محله، تابلوهای شهری و بهداشت محله ابزار رضایت ندارند. اما نسبت به حمل‌ونقل شهری، امنیت، هم‌اندیشی محله‌ای و اطلاع‌رسانی رضایت کاملی ندارند.

جدول شماره ۴. ارزیابی مردم از اقدامات شهرداری

ردیف	گویه‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین
۱	تسهیل در حمل‌ونقل شهری محله (اتوبوس، مینی‌بوس، تاکسی، مترو و ...)	-	-	۳۷/۷	۴۵/۴	۱۶/۹	۲/۲۰
۲	تأمین امنیت اجتماعی ساکنان محل	۱/۳	۴/۲	۱۵/۳	۴۹/۶	۲۹/۶	۲/۰۶
۳	توسعه فضای سبز محله (پارک، بوستان و ...)	۲/۶	۲۱/۴	۳۹/۱	۲۶/۹	۱۰/۰	۲/۷۹
۴	توجه به معماری و فضای کالبدی محله (شکل ظاهری ساختمان‌های محله)	۵/۸	۳۰/۶	۴۷/۵	۱۲/۱	۴/۰	۳/۲۲
۵	توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی محله	۱۱/۱	۴۳/۵	۳۶/۹	۵/۸	۲/۶	۳/۵۴
۶	جمع‌آوری زباله‌های محله	۸/۲	۵۴/۶	۲۷/۲	۷/۹	۲/۱	۳/۴۴
۷	اطلاع‌رسانی نسبت به وظایف شهروندی	۱/۱	۷/۹	۳۲/۷	۳۴/۰	۲۴/۳	۲/۲۷
۸	برگزاری هم‌اندیشی‌های محله‌ای و همایش‌های منطقه‌ای مرتبط با مسائل شهروندان	-	۷/۷	۲۸/۵	۳۹/۶	۲۴/۳	۲/۱۹
۹	اصلاح مهندسی معابر محله (دوربرگردان، تعریض خیابان‌ها و ...)	۱/۳	۱۴/۵	۳۷/۵	۳۳/۸	۱۲/۹	۲/۵۷
۱۰	نصب تابلوهای شهری، جدول‌کشی معابر و خیابان‌های محله	۱۱/۳	۳۵/۶	۴۰/۱	۹/۵	۳/۴	۳/۴۱
۱۱	تأمین بهداشت محله (درمانگاه، داروخانه و ...)	۶/۳	۲۹/۳	۴۰/۹	۱۷/۴	۶/۱	۳/۱۲
۱۲	توسعه امکانات و فضاهای ورزشی در محله	۴/۰	۱۴/۲	۳۳/۵	۳۱/۴	۱۶/۹	۲/۵۶
۱۳	برگزاری کلاس‌های آموزشی	۲/۴	۱۲/۱	۳۳/۰	۳۶/۷	۱۵/۸	۲/۴۸
۱۴	انتقال آموزش‌های عمومی از طریق بیلبوردها و تهیه بسته‌های آموزشی - فرهنگی	۱/۸	۴/۷	۱۸/۷	۴۲/۰	۳۲/۷	۲/۲۳

در بررسی رابطه بین این دو متغیر مشارکت و شوراییاری از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر برابر با ۰/۰۲۵ می‌باشد و با توجه به اینکه سطح معناداری برابر با ۰/۰۵ و از ۰/۰۵ بیشتر است، بنابراین فرضیه موردنظر تأیید نمی‌شود. لذا بر اساس دیدگاه مردم شوراییاری نتوانسته است مشارکت مطلوب را به همراه داشته باشد.

جدول شماره ۵. آزمون پیرسون به منظور بررسی رابطه بین شوراییاری و مشارکت مردمی

شوراییاری		مشارکت	
شوراییاری	۱	مشارکت	۰/۲۸۹
		همبستگی معنادار	
		P-value	۰/۶۳۰
تعداد	۳۷۹	تعداد	۳۷۹
مشارکت	۰/۰۲۵	همبستگی معنادار	۱
		P-value	۰/۶۳۰
تعداد	۳۷۹	تعداد	۳۷۹

برای بررسی رابطه بین این دو متغیر (میزان مشارکت مردم و میزان رضایت مردم محله) پس از جمع گویه‌های مربوط به هر متغیر و از جهت کمی بودن هر دو متغیر از ضریب هم‌بستگی پیرسون به منظور سنجش رابطه بین مشارکت مردم و میزان رابطه آن‌ها، استفاده شد. مقدار ضریب هم‌بستگی بین دو متغیر برابر با $0/023$ به دست آمد. با توجه به اینکه سطح معناداری برابر با $0/654$ و از $0/05$ بیشتر است، بنابراین فرضیه موردنظر تأیید نمی‌شود. لذا گرچه بین میزان مشارکت مردم و عملکرد شهرداری رابطه ضعیفی وجود دارد اما در سطح ۹۵ درصد اطمینان قابل‌پذیرش نیست و شهرداری نتوانسته است رضایت مردم را در این زمینه داشته باشد.

جدول شماره ۶. آزمون پیرسون به منظور سنجش رابطه بین اقدامات شهرداری و مشارکت مردمی

اقدامات شهرداری		مشارکت مردمی	
همبستگی معنادار	۱	$0/023$	مشارکت مردمی
P-value	.	$0/654$	
تعداد	۳۷۹	۳۷۹	
مشارکت مردمی		اقدامات شهرداری	
همبستگی معنادار	$0/023$	۱	مشارکت مردمی
P-value	$0/654$.	
تعداد	۳۷۹	۳۷۹	

نتیجه‌گیری

مفهوم مشارکت ارتباط تنگاتنگی با مفهوم شهروندی دارد و نقش مشارکت در توسعه جوامع در کانون توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته و مدل‌های مختلفی برای آن ارائه گردیده است. مشارکت به عنوان بخشی از سرمایه اجتماعی که پایه‌ای برای توسعه محله‌ای محسوب می‌شود و سعی دارد به وسیله آن کیفیت زندگی مردم محله را بهبود بخشد. توسعه محله‌ای شامل کلیه مسائل مرتبط با مسکن، توسعه اقتصادی، مشارکت شهروندان، رفاه اجتماعی، احساس امنیت، ارتقاء آموزش و مسائل زیست‌محیطی است که میان تمامی این عناصر نیز ارتباط متقابلی وجود دارد. این پژوهش با تأکید بر نقش مشارکت در توسعه محله‌ای، پس از مطالعه علمی و پیمایشی در محله داودیه به نتایج زیر به دست یافته است:

- مشارکت ضعیف شهروندان در نگاه تحلیلی اول به شیوه نادرست برنامه‌ریزی در سیستم مدیریت و برنامه‌ریزی شهری شهرداری تهران برمی‌گردد که تسلط برنامه‌ریزی تمرکزگرا را توجیه می‌کند. دوم: عدم بها دادن به شهروندان در سطوح مختلف برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری. سوم: مقاومت افراد و سازمان‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ در برابر جایگزین شدن برنامه‌ریزی از پایین به بالا به جای برنامه‌ریزی از بالا به پایین. چهارم: عدم آگاهی شهروندان در موضع صاحبان اصلی شهر از حقوق و وظایفشان. پنجم: مقاومت همان ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان از حضور شهروندان در صحنه نظارت تا اجرا.

- مطالعات به دست آمده از اقدامات شهرداری در سطح محله داودیه نشان می‌دهد که شهرداری منطقه ۳ در رابطه با نصب تابلوهای شهری، جدول‌کشی معابر و خیابان‌های محله، توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی محله، خط‌کشی خیابان‌ها و توجه به شکل ظاهری ساختمان‌های محله از لحاظ معماری و فضای کالبدی خوب عمل کرده و اکثر پاسخگویان از فعالیت‌های صورت گرفته توسط شهرداری در این حوزه‌های زیربنایی - عمرانی رضایت دارند؛ اما در رابطه با توسعه فضای سبز محله، اصلاح مهندسی معابر محله و همچنین توسعه امکانات و فضاهای ورزشی در محله اکثر پاسخگویان نسبت به اقدامات شهرداری رضایت در حد متوسط داشتند. پیرامون اقدامات خدماتی - رفاهی شهرداری، اکثر ساکنین محله از وضعیت بهداشت محله و جمع‌آوری زباله‌ها رضایت داشتند ولی رضایت آن‌ها از وضعیت حمل‌ونقل کم بود. از جمله اموری که شهرداری مناطق مختلف متصدی آن می‌باشند مسائل مربوط به امور فرهنگی - اجتماعی است و اکثر پاسخگویان محله داودیه، میزان رضایت خود را از اقدامات فرهنگی - اجتماعی همچون؛ برگزاری هم‌اندیشی‌های

محلله‌ای و همایش‌های منطقه‌ای مرتبط با مسائل شهروندان و اطلاع‌رسانی نسبت به وظایف شهروندی در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند و رضایت آن‌ها نسبت به تأمین امنیت اجتماعی و انتقال آموزش‌های عمومی از طریق بیلبوردها و تهیه بسته‌های آموزشی - فرهنگی از طریق بروشور، پوستر و ... در حد کم و خیلی کم می‌باشد.

- همچنین در تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که اکثریت ساکنان محله داودیه از سازوکارها و اقدامات شورایاری رضایت چندانی ندارند و اعتقاد دارند شورایاری تلاش‌های مؤثری بر مشارکت مردم در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری نداشته‌اند.

بررسی نتایج تحقیق با سایر پژوهش‌های صورت گرفته در این موضوع نشان می‌دهد با پژوهش‌های زیاری و همکاران (۱۳۸۸) و کاظمیان (۱۳۸۸) بر میزان ضعیف مشارکت مردم همسو است و مردم از نظر ذهنی اعتقاد به مشارکت دارند.

همچنین در ارزیابی مردم از خدمات شهری با کار تقوایی و همکاران (۱۳۸۸) مشابه است.

- ❖ آگاه‌سازی مردم نسبت به وظایف شورایاری‌ها و توانمندسازی شهروندان برای افزایش مشارکت در امور شهری.
- ❖ تجدیدنظر در سازوکارهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی شورایارها و ارتباط آن‌ها با مدیریت شهری
- ❖ زمینه‌سازی نظام‌مند برای تقویت نقش و مشارکت مردم محله بالأخص بانوان، جوانان و نخبگان محلی در طراحی و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های توسعه محله و استفاده از برنامه‌های اجتماعی - فرهنگی محله مقیاس.
- ❖ مؤثر سازی فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی شهرداری در سطح محله با تفویض اختیار مدیریت بخشی از فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی و اعتبارات مربوطه به شورایاری محله.
- ❖ تدوین برنامه سالیانه منظم برای برگزاری جلسات هم‌اندیشی به منظور افزایش مشارکت مردم در اداره محله.

منابع

- (۱) برک پور، ناصر، شرفی، مرجان و رشیدی فر، فاطمه، (۸۸)، مشارکت مردمی در تهیه طرح‌های ساماندهی و توسعه محله‌ای، نمونه موردی: محله امیرآباد- گل‌ها، دو فصلنامه معماری و شهرسازی، دوره ۲، شماره ۲، صص. ۳۵-۵۵.
- (۲) تقوایی، مسعود، بابا نسب، رسول و موسوی، چمران (۱۳۸۸) تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، دوره ۱، شماره ۲، صص. ۱۹-۳۶.
- (۳) حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۰) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ دهم، تهران: انتشارات سمت.
- (۴) حسینی، سید علی (۱۳۸۰) روش‌های مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری (شهر رشت)، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- (۵) حکمت نیا، حسن و موسوی، میر نجف (۱۳۸۵) تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۱، شماره ۸۰، صص. ۱۳۶-۱۲۱.
- (۶) حناچی، سیمین و مرادی مسیحی، وراز (۱۳۸۰) شهرسازی مشارکتی: مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی و توسعه شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- (۷) خاکپور، براتعلی، مافی، عزت‌الله و باوان پوری، علیرضا، (۱۳۸۸)، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای (نمونه: کوی سجادیه مشهد)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۷، شماره ۱۲، صص. ۵۵-۸۱.
- (۸) رضایی، رحیم و صلاح اصفهانی، گیتی (۱۳۸۷) نگرش مشارکتی شهروندان محلات ۱ و ۱۲ شهرداری تهران نسبت به مدیریت محله، مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محله‌ای (۵)، مشارکت مردمی و توسعه محله‌ای (۲)، تهران، صص. ۲۳۵-۲۱۶.

- ۹) زیاری، کرامت‌الله؛ حاتمی، احمد؛ مصباحی، سحر (۱۳۹۶) بررسی عوامل مؤثر برافزایش مشارکت اجتماعی با تأکید بر احساس تعلق محله‌ای مطالعه موردی نورآباد دلفان، مجله جغرافیای اجتماعی شهر، دوره ۲، شماره ۴، صص. ۶۹-۸۶
- ۱۰) زیاری، کرامت‌الله؛ زندوی، سید مجدالدین؛ آقاجانی، محمد؛ مقدم، محمد (۱۳۸۸) بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک (نمونه موردی: شهرهای گله‌دار، ورزنه و هیدج)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۷، شماره ۱۳، صص. ۲۳۵-۲۱۱.
- ۱۱) زیاری، کرامت‌الله (۱۳۸۱) برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- ۱۲) شکویی، حسین (۱۳۷۲) جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی شهر، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۱۳) شهرداری تهران (۱۳۹۶) شهرداری منطقه ۳، سند راهبردی توسعه محله داودیه (۹۵-۱۳۹۱).
- ۱۴) علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹) الگوی مشارکت شهروندان در اداره شهرها، جلد سوم، تهران: سازمان شهرداری‌ها کل کشور.
- ۱۵) فنی، زهره و صادقی، یدالله (۱۳۸۸) توانمندسازی حاشیه‌نشینان در فرآیند بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، سال ۲، شماره ۷، صص. ۷۳-۵۷.
- ۱۶) قاسمی، وحید؛ اسماعیلی، رضا؛ ربیعی، کامران (۱۳۸۵) سطح‌بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۳، صص. ۲۴۸-۲۲۵.
- ۱۷) کاظمیان، غلامرضا؛ حق‌شناس کاشانی، فریده؛ شادمان فر، رضا (۱۳۸۹) بررسی تأثیر الگوی شورایی محلات در مشارکت شهروندان با مدیریت شهری، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، دوره ۲، شماره ۳، صص. ۳۷-۲۳.
- ۱۸) مدنی پور، علی (۱۳۸۳) «آیا می‌توان مدیریت و توسعه شهرها را بر پایه محله‌ها بنا نهاد؟»، همایش توسعه محله‌ای، چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران، اسفند ۱۳۸۳، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- ۱۹) مرادی (مشاور نیازند طرح) (۱۳۷۶) توسعه شهری در استان مازندران، مجموعه مقالات چهارمین همایش تخصصی بافت‌های فرسوده شهری، سازمان ملی و مسکن، تهران.
- ۲۰) مطلبی، قاسم، (۱۳۸۳)، رویکرد انسانی به توسعه پایدار محله‌ای، چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران، شهرداری تهران، شماره ۱۹، صص. ۱۸-۲.
- ۲۱) موحد علی و نعمت کرده (۱۳۹۶) سطوح پایداری در محله‌های شهری؛ مطالعه موردی: شهر مهاباد، فصل‌نامه آمایش محیط دوره ۱۰، شماره ۳۹، صص. ۲۷-۱.
- ۲۲) نجاتی حسینی، سید محمود، (۱۳۸۰) الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، فصلنامه مدیریت شهری، دوره ۲، شماره ۵، صص. ۱۱۳-۱۰۲.

23) Andrews, Patricia. & Herschel, Richard. (1997) Organizational Communication: Empowerment in a Technological Society, 1 edition, Publisher: Pearson